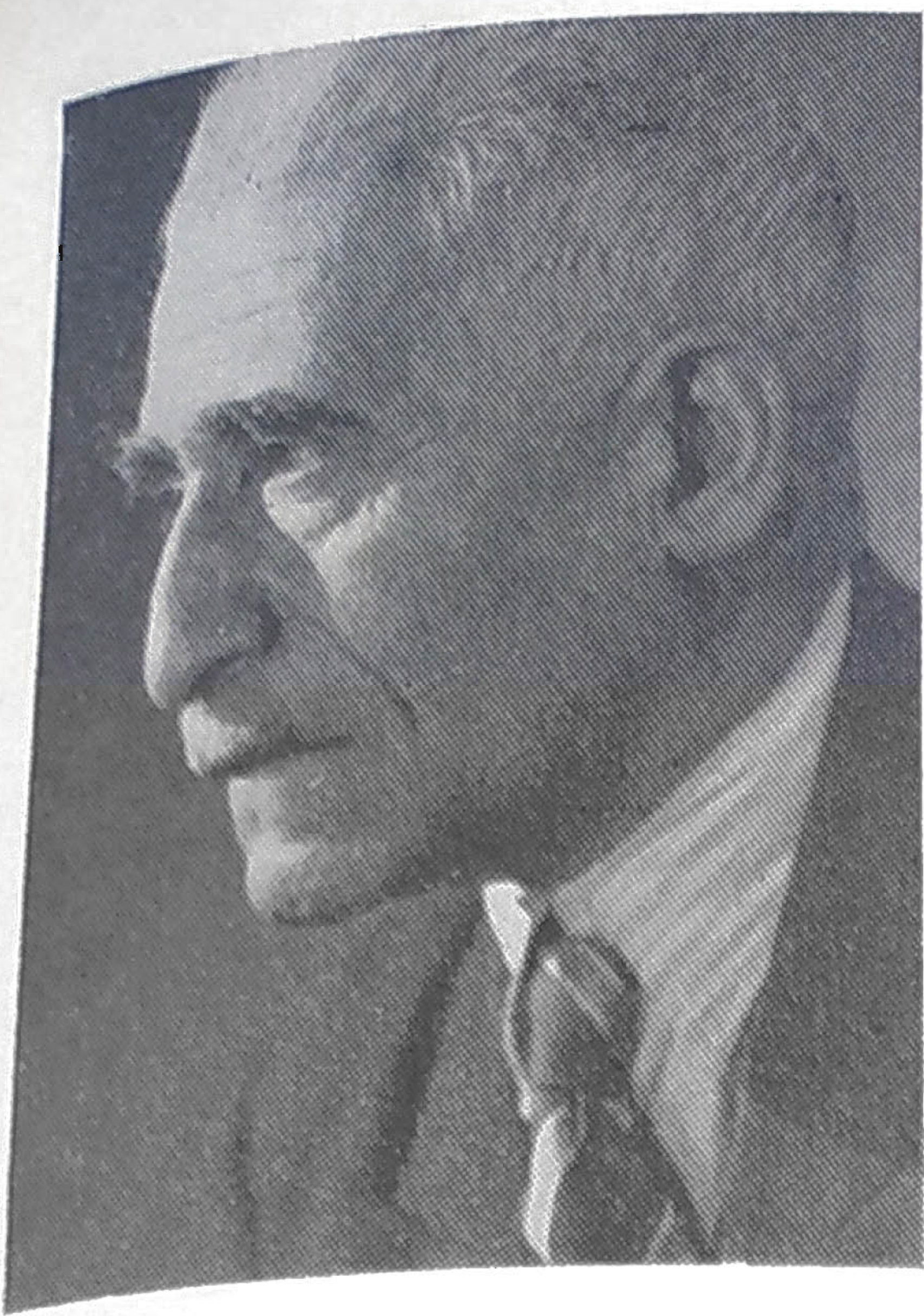


## صنایع کاغذی یا مقوائی



این مقاله مبتنی بر تقریرات  
فنی آقای مصورالملکی نقاش  
عالیقدر اصفهانی تهیه شده است  
و تصویر های متن نیز از جناب  
ایشان است .

قلمدان - ماسک - کله سازی - (مانند  
سر عروسک - سردیو و غول - کله شیر  
سرهای اسرا در تعزیه) جعبه و قوطی -  
مرقع - جلد کتاب - رحل سازی - آس  
و غیره .

صنایع کاغذی یعنی انواع صنایعی که با کاغذ - کاغذ  
هائی که بوسیله سریش یا چسب دیگری بر رویهم چسبانیده  
شده اند و بصورت مقوای ضخیم و نازک کننده ای درآمده اند -  
ساخته میشوند . بعضی از این صنایع در ایران از زمانی  
بس قدیم معمول بوده اند و برخی جدیدترند . جعبه و قوطی  
سازی مرقع و جلد کتاب و رحل قرآن صنایعی هستند بس  
قدیمی - از آن زمان که کتب مختلف استنساخ شد صنایع  
مربوط بکتاب مانند کاغذ سازی و تجلید نیز مرسوم گردید  
و خط خوش همواره نیاز بمرقعاتی داشت که از آسیب  
زمان در امان بماند و برای قرائت قرآن کریم به رحل احتیاج  
پیدا شد . ضمناً یقین داریم که در ربع رشیدی در تبریز  
این فنون تشویق میشده است و صاحبان این حرف رموز  
مربوط بحرفه خود را در مکاتب هنری این محله علما  
و هنرمندان بجد میآموخته اند . اما صنایع دیگر مانند  
قلمدان سازی - ماسک و کله سازی در ایران صنایعی هستند  
اخیرتر که شاید از زمان صفویه بعد مرسوم شده اند  
و گسترش یافته اند . اما در اینکه قلمدان سازی در زمان  
صفویه مرسوم بوده است شکی نداریم . در یکی از طرجهائی  
منسوب به رضا عباسی که با عنوان « بزاز دوره گرد » در  
شماره سوم مجله نقش و نگار بچاپ رسیده است می بینیم  
که جلو مردی که بروی قالی نشسته است يك قلمدان و يك  
دوات و چند ورق کاغذ و ضمناً يك قیچی و مقداری پارچه  
قرار دارد . توجه شدید بتشریفات مذهبی در زمان صفویه  
نیز بعید نیست که کله سازی را در ایران بطور کلی رواج  
داده باشد زیرا در تعزیه ها بماسک و سر مقوائی نیاز زیاد  
داشته اند . اما قدمت آس سازی تا چه پایه است نمیدانیم .  
بعد باین نوع قمار علاقمند شده باشند . بهر صورت که

باشد کاغذی که اساس این نوع صنایع را تشکیل میدهد  
در خود ایران ساخته میشده است و هنوز هم يك « کاغذگری »  
در اصفهان هست . وارد کردن کاغذ از خارج بعلت نبودن  
تسهیلات حمل و نقل امر روزی گران تمام میشده است  
و بعلاوه ایرانیها عادت داشته اند که نیازهای خود را شخصاً  
مرتفع سازند .

**کاغذ سازی یا کاغذگری** - کاغذهای بیکاره و مخصوصاً  
کاغذ عطاری - پارچه کهنه و تراشه چوب و گونی پاره  
کمابیش مواد اولیه کاغذگری را تشکیل میداده است . این  
مواد را با اصطلاح کاغذگران اصفهانی در « شال دستمال »  
بزرگی می بسته اند و در آب می انداخته اند و مدتی همچنان  
در آب مینهادند تا بپوسد . بعد از آب در آورده و بصورت  
خمیر ناهمواری روی سنگ مینهادند و با تیشه آنرا نرم  
میکرده اند . مجدداً این خمیر را در حوضك آب می انداخته اند  
یکنفرکنار حوضك می نشسته و با پارو آب را بهم میزد  
است . استادکار قالبی حصیری در دست میگرفته است  
( این قالب چهار چوبی بوده است که کف آن با حصیر  
پوشیده شده بوده است ) قالب را در حوضك میزد  
است و خمیر در قالب قرار میگرفته و آبها از حصیر

سطح خارجی آن نقاشی میکرده اند. نقاشی روی قلمدان و نقاشی روی آس و نقش های جلد کتاب بانهایت دقت انجام میگرفته است و این موضوع از نظر زیبایی غالباً جنبه هنری داشته است.

### نقاشی روی هنرهای کاغذی

**الف - رنگ:** رنگهایی که برای نقاشی روی قلمدان و جلد کتاب و رحل قران و اوراق آس بکار میرفته است رنگهای معدنی و آبرنگ بوده نه رنگهای روغنی. این رنگها که در مشرق زمین متداول بوده رنگهایی ثابت بوده است. باصطلاح نقاشان ایرانی دو نوع رنگ در نقاشی ایرانی

بکار میرفته است یکی رنگهای غیر شفاف و حاجب ماوراء که آنها را رنگهای «جسمی» میگویند و دیگر رنگهای شفاف و نشان دهنده ماوراء که آنها را رنگهای «روحی» میگویند. رنگهایی که در نقاشی روی قلمدان و ضمناً در سایر هنرها بکار میرفته تقریباً بترتیب زیر بوده است:

اول - از گروه رنگهای جسمی

۱ - سفیداب قلع (برای رنگ سفید)

۲ - زرنیخ ورق قزوینی (برای رنگ زرد)

۳ - گل ماشی (یکنوع خاک معدنی) برای رنگ تریاکی

متماثل بزرد

گل اخرا (برای قهوه ای مایل بقرمز)

۵ - سبزیلیو (برای رنگ سبز)

۶ - شنجرف (برای رنگ قرمز)

۷ - سرنج (که از سرب سوخته میگرفته اند) برای

رنگ نارنجی

دوم - از گروه رنگهای شفاف یا روحی

۱ - لاجورد (برای رنگ آبی - این رنگ در حقیقت

هم جسمی است و هم روحی بسته بفظت و رقت آن)

۲ - نیل برای رنگ آبی

۳ - مرکب و مرکب چین (برای رنگ سیاه)

۴ - عصاره ریوند (برای رنگ زرد)

۵ - قرمز دانه (که کرمهای ریز قرمزی است و در

کناره های بحر خزر موجود است. قرمز دانه را در شراب

میجوشانیده اند و میگذاشته اند تا ته نشین بشود بعد آنرا

میخشکانیده اند گاهی هم با گچ مخلوط میکرده اند) برای

رنگ قرمز.

۶ - سبزرنگار (از براده مس) برای رنگ سبز

**ب - بوم سازی:** معمولاً زمینه یابوم را (غیر از بوم

سفید که برای صورت سازی تهیه میکرده اند) با مخلوطی

از رنگهای جسمی و سریشم گرم و شیرۀ انگور (شهد) آماده

میساخته اند. واضح است که رنگهای روحی برای زمینه

و بوم سازی مورد استعمال ندارند. رنگهای روحی را با

شیره تنها میآمیزند و رنگهای جسمی را با شهد و سریشم.

باید دانست هر نوع بومی که بسازند میبایستی بعداً

خارج میشده است. این خمیرهای قالبی را چهار دسته رویهم بر روی سنگ صاف مینهادند و بعد یک قطعه تخته محکم روی دستهای خمیر میگذاشته اند و روی تخته قرار میداده و مرتب پا میزدند تا آخرین قطرات آب از مغز خمیر کاغذی خارج بشود. آنگاه هر دسته چهار تائی را برابر آفتاب می نهادند تا بخشکد. کاغذی که از این خمیر بدست میآمده است سفید نبوده است و دارای ضخامت بوده - کاغذ سفید را نیز در اصفهان تهیه میکرده اند و با ورقه های نازکتر. اما اینک کسی راز کاغذ سازی قدیمی اصفهان را نمیداند.

**قلمدان سازی -** دو قالب اصلی قلمدان یعنی زبانه و رویه را با چوب نهایت با قطعی کوچکتر از قطع مورد نظر تهیه میکرده اند. با سه لا کاغذ بهم چسبیده - در حالیکه هنوز مغز کاغذ تر بوده است سطح هر دو قالب چوبی را میپوشانیده اند و در آفتاب خشک میکرده اند. آنگاه دو لای دیگر بان می چسبانیده اند و پس از خشک شدن یک ورق کاغذ سفید اعلا هم روی هر دو قالب می کشیده اند. جدا کردن زبانه قلمدان از قالب بسی آسان بوده است زیرا یک سر آن باز است. اما جدا کردن رویه از قالب چوبی بوسیله بریدن و جدا کردن کله قلمدان بکمک یک تیغه فلزی امکان مییافته است و بعد کله را با سریشم بزبانه میچسبانیده اند. شک نیست که این مقوای بهم پیوسته را در هر مرحله بوسیله سائیدن با سوهان و استخوان قلم گوسفند صاف و هموار میکرده اند. قلمدانهای عالی را با کاغذ سفید اعلامی ساخته اند منتهی قریب بیست ورق کاغذ سفید بقالبهای چوبی میچسبانیده اند و شک نیست که این نوع قلمدان بسیار گران تمام میشده است.

معروفست که در زمان ناصرالدین شاه صدر اعظم که باغلب احتمال میرزا تقی خان امیر کبیر بوده است فرمان داده است که کاغذ اعلا سفید بسازند و ساختند و گران تمام شد چنانکه ورقی یکقران خرج برداشت و چون مردم نخریدند منحصرآ برای فرمانهای دولتی از چنان کاغذگرانی استفاده شد.

باید اضافه کرد که طرز ساختن ماسک و سرعروسک و سرهای دیگر نیز مانند قلمدان سازی است. با این تفاوت که قالب آنها را از گل تهیه میکنند و روی گل چندین لا کاغذ میچسبانند و بعد سر را از وسط دو نیمه کرده گلها را خارج میسازند و دوباره دو نیمه سر را با سریشم و کاغذ بهم میچسبانند. در جلد سازی و مرقع سازی و حتی جعبه سازی احتیاجی بقالب گیری نیست.

البته هر چه تعداد لایه های کاغذ بیشتر باشد و مخصوصاً هر چه جنس اولیه کاغذ بهتر باشد محصول عالیتر خواهد گردید. در آس سازی هشت لا از کاغذی را که طرز تهیه آن در فوق گذشت بهم میچسبانند - وقتی شکل اولیه شیئی مورد نظر بترتیب بالا آماده شد روی

روی آن روغن کمان بزنند . روغن کمان روغنی است که سابقاً کمان تیراندازی را با آن صیقل میداده‌اند . روغن مزبور مخلوطی است از « سندروس » که ماده‌ای است زجاجی و شبیه کهر با و روغن بزرک به نسبت مساوی . البته این مخلوط را بایستی در دیک پخت تا خوب مخلوط شود و صاف گردد . بعد از روغن کمان زدن معمولاً یک پوشش رقیق از سریشم داغ بوسیله یک پارچه تر روی سطح مورد نظر میکشند و این عمل را با اصطلاح « واشور کردن » میگویند .

### انواع بوم

۱ - بوم سفید برای صورت سازی - سفیداب معروف بسفیداب شیخ بهائی را با سریشم و شیره انگور مخلوط میکرده‌اند و روی سطح میکشیده‌اند . (به نسبت زیر : سفیداب ۴ مثقال - سریشم ۱۰ مثقال - شیره ۳ مثقال) .

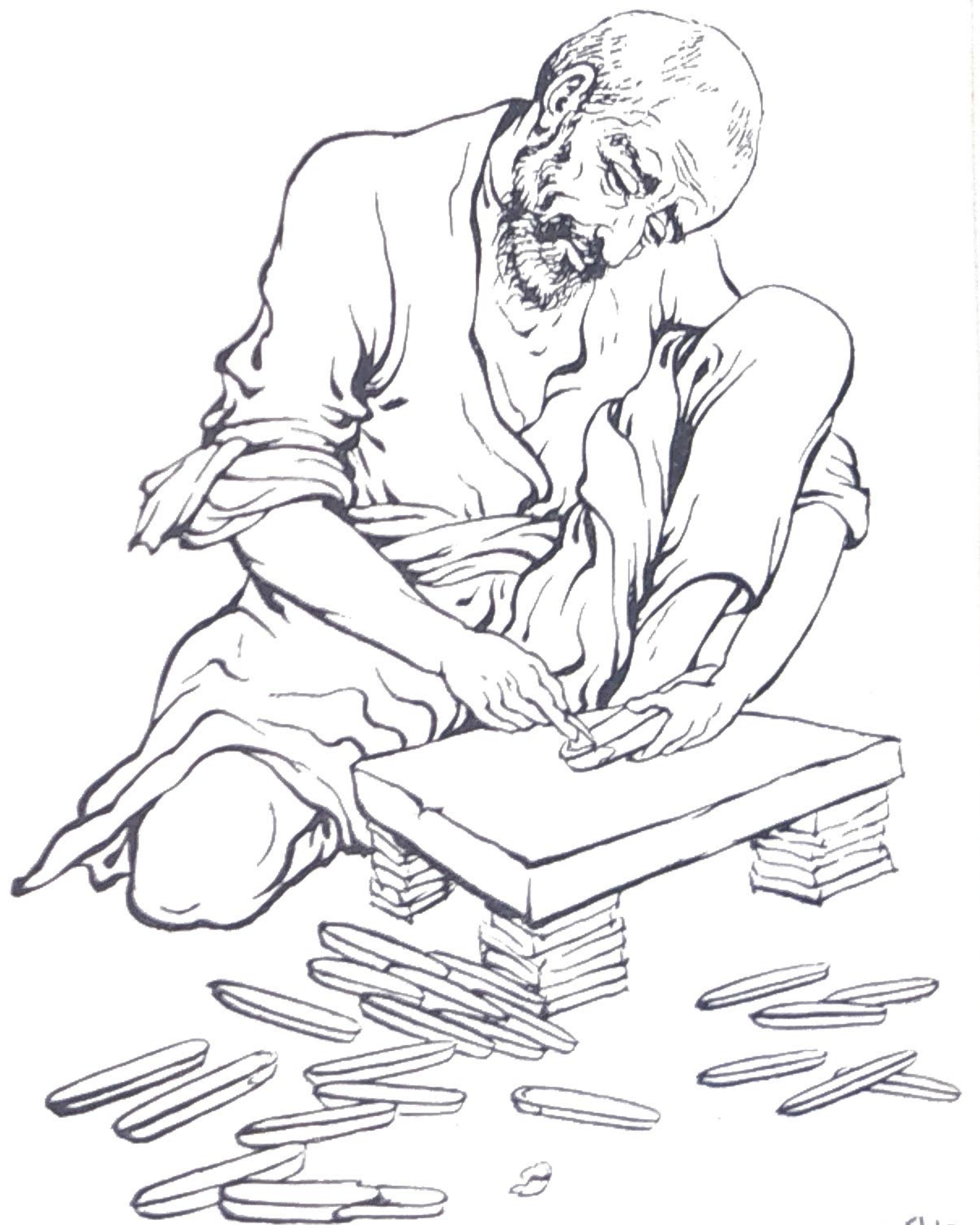
۲ - بوم مرقش (۱) - مرقش خاکی است معدنی آمیخته بفلز که در انارک بحد وفور وجود دارد . این خاک سیاه است و دارای دانه‌های ریز نقره‌ای است - عمل مرقش بترتیب زیر بوده است : روی قلمدان یا جلد کتاب را مخلوطی از سریشم و شیره میمالیده‌اند - بعد از خشک شدن یکبار روغن کمان میزده‌اند . سپس مرقش خشک را که مانند شن نرم است روی سطح اندوده بروغن میپاشیده‌اند چنانکه این گرد سطح را میپوشانیده و بروغن میچسبیده - بعد در آفتاب خشک میکرده‌اند در نتیجه زمینه مانند کاغذ سمباده زبر و دانه دانه‌ای میشده و بسان نقره برق میزده است . یکبار دیگر عین همین عمل مرقش را تکرار میکرده‌اند - سپس روی زمینه را سمباده میزده‌اند تا تمام ناهمواریها صاف گردد . بوم مرقش را معمولاً بسه رنگ در میآورده‌اند - زرد - قرمز و سبز . مرقش زرد بوسیله عصاره ریوند - تاذرات نقره‌ای بصورت زرد درخشان و براقی جلوه بکند - مرقش قرمز بوسیله قرمز دانه و مرقش سبز بوسیله سبز زنگار که البته همه رنگهای روحی هستند . پس از رنگ کردن مجدداً روغن کمان میزده‌اند و پس از خشک کردن آنرا سمباده زده و واشور میکرده‌اند .

۳ بوم موجی - مخلوطی از قلع کوبیده محلول در آب سریشم داغ و رقیق روی سطح قلمدان یا جلد کتاب میکشیده‌اند و با سنگ یشم مهره میزده‌اند . زمینه با این عمل بسان نقره براق میشده است . روی این زمینه

(۱) مرقش (بفتح میم و قاف) باید همان «مرقشیا» باشد که بنقل از برهان قاطع بعربی حجرالنور گویند .



بوسیله سوهان بایستی سطح خارجی قلمدان را هموار کرد .



جدا کردن سر قلمدان

معمولا دورنگ کار میکردند یکی بامخلوط قرمز دانه و روغن کمان و دیگری بامخلوط سبزرنگار و روغن کمان . متنی که بدست میآمده است قرمز یاسبز ته نقره‌ای بوده است . آنگاه باشانه‌ای که بجای دنده‌های آن سوزن خیاطی بچوب می‌بسته‌اند روی سطح شیارهایی از طول و عرض ایجاد میکردند و متن دارای شطرنجی‌های خیلی ظریفی میشده است و بعد از خشکاندن آن در آفتاب و روغن کمان و سمباده زدن روی این بوم نقاشی میکردند .

۴) بوم کشف (لاک پشت ؟) روی سطح قلمدان یا جلد کتاب را بامخلوطی از رنگهای باز و روغن کمان آمیخته بنفت (به نسبت ۳ بیک) میپوشانیده‌اند . بعد يك چراغ نفتی روشن میکردند و قیفی وارونه روی فتیله می‌گرفته‌اند و سطح مورد نظر را روی دهانه گشاد قیف نگاه میداشته‌اند تا دوده بصورت ابری بر آن بنشیند و برنگ آمیخته بروغن بچسبند . پس از خشک شدن روی این سطح روغن کمان میزده‌اند - بعد سمباده زده و اشور میکردند .

۵) بوم ابری یا کاغذ ابری - حریطه سائیده با آب و افتیمون را باچند رنگ از گروه رنگهای روحی بطور جداگانه مخلوط میکردند و در پیاله‌های مختلف میریخته‌اند . بعد در يك سینی آب میریخته‌اند و با قلم مو از دو یاسه رنگ لکه‌هایی در ظرف آب ایجاد میکردند تا رنگ‌ها در هم بدود . بعد کاغذ سفید را روی آب میانداخته‌اند و فوراً برمیداشته‌اند . رنگها مثل ابرهای رنگین بر صفحه کاغذ نقش می‌بسته - در آفتاب خشک میکردند . این کاغذ رنگین را بر سطح مورد نظر میچسبانده‌اند .

۶) بوم ته طلائی سبزو قرمز - روی مقوا لعابی مخلوط از سریشم و شیره میزده‌اند آنگاه بآن روغن کمان میزده‌اند و آنرا در آفتاب دونم میکردند . يك ورق کاغذ طلائی فرنگی (زرورق) را روی مقوا میچسبانیده‌اند و در آفتاب میگذاشته‌اند آنگاه از قرمز قرمز دانه یاسبز (زنگارمس) مخلوط با روغن کمان روی ورق طلا میزده‌اند .

۷) بوم سیاه - دوده یا مرکب را با سریشم و شیره مخلوط میکردند و روی سطح میمالیده‌اند و بعد روغن کمان میزده‌اند و پس از خشک کردن سمباده زده و اشور میکردند .

چنانکه ملاحظه شد بوم سازی در ایران با وسایل بسیار ابتدائی انجام میگردد است ولی با همین وسایل بدوی پیشینیان ما چنان آثار نادر و زیبایی بوجود آورده‌اند که ما اینک با داشتن وسایل علمی و فنی از ایجاد نظائر آنها عاجزیم . البته شرایط زمان و مکان و سهولت عرضه وسایل ماشینی غالب این آثار را منسوخ ساخته است . وشک نیست که در حال حاضر که وقت طلا شده است نیاز بهم بساختن آنچه گذشت با اینهمه صرف وقت و دقت نیست . بومهایی که ذکر شد در غالب صنایع کاغذی



جدا کردن قالب از رویه قلمدا



قالب گیری قلمدان

گفته شد . یکدست ورق آس یا ۲۵ ورق ویا ۵۰ ورق بوده است . رنگهای ورق آس بترتیب زیر بوده :

(۱) سفید - روی ورق راسفیداب شیخ بهائی مخلوط باروغن کمان میزده‌اند و پس از خشک شدن و سنباده زدن و واشور کردن نقاشی میکرده‌اند . روی ورق سفید بی‌بی میکشیده‌اند .

(۲) سیاه - ورق سیاه پشت و روی آن سیاه بوده است . روی بوم سیاه یک شیر در حال جنگ با آهو یادو شیر تنها نقاشی میکرده‌اند و این ورق آس نام داشته است .

(۳) زرد - ابتدا روی ورق سریشم و شیره میمالیده‌اند - آنگاه روغن کمان زده و روی آن یک برگ زوروق میچسبانیده‌اند پس از روغن کمان زدن و سنباده کشیدن و واشور کردن روی این متن سرباز میکشیده‌اند .

(۴) قرمز - پس از لعاب سریشم و شیره دادن روی ورق و روغن کمان زدن یک برگ زوروق روی مقوا میچسبانیده‌اند - آنگاه با قرمز ، قرمز دانه و روغن کمان روی زوروق را قرمز میکرده‌اند و روی این متن قرمز زمینه طلائی یکزن یادوزن طناز نقاشی میکرده‌اند و این ورق لکات بوده است .

(۵) سبز - سبز سیلورا باروغن کمان روی ورق میزده‌اند و پس از خشک شدن و روغن کمان و سنباده زدن و واشور کردن تصویر شاه (تمام تنه یا نیم تنه) را روی ورق میکشیده‌اند .

چنانکه گفته شد پشت تمام ورقها سیاه بوده است و شک نیست که تمام ورقها بیک اندازه و بابعاد ۶×۴ سانتی‌متر بود . ضمناً باید دانست که گاه روی این ورقها یک صحنه تمام بزمی یا رزمی مناسب با هر یک از ورقها نقاشی میشده است و بسته به سفارش صاحب کار یا ابتکار نقاش طرز نقاشی روی ورقها تغییر میکرده است .

خوشبختانه در زمان ما آس بازی و در نتیجه آس سازی از میان رفته است و بدبختانه ورق بازی و ورق چاپی جای آنرا گرفته . اگر بتوانیم چنین منقصتی را از میان خود برداریم که زهی سعادت و گرنه آیا بهتر نیست اقلا این اوراق شیطانی را با الهام از ورقهای آس بسازیم و از خارجه وارد نکنیم ؟

یعنی در جعبه سازی - مرقع - رحل قرآن - جلد کتاب مورد استعمال داشته است . برای مینیاتور و تذهیب سازی غالباً کاغذ را با سفیده تخم مرغ میآلوده‌اند و روی آن آنقدر مهره میزده‌اند تا صیقل یابد .

**ج - نقاشی** - بعد از تهیه بوم که عمل دشواری بوده است روی قلمدان یا جلد کتاب را نقاشی میکرده‌اند . ابتداء طرح اصلی را با گرده میریخته‌اند یا با قلم ظریف و سفیداب ترسیم میکرده‌اند و سپس رنگ میزده‌اند . موضوع نقشهای روی قلمدانها غالباً افسانه‌های قدیمی و شاعرانه مانند شیرین و فرهاد خسرو و شیرین لیلی و مجنون موسی و فرعون و یوسف و زلیخا بوده است و همچنین صحنه‌های مختلف شکار و بزم و رزم و زراعت و غیره یعنی موضوعات نقاشی معمول زمان مورد استفاده قرار میگرفته است و ضمناً این نقشها تحت تأثیر سبک نقاشی متداول در هر عهد بوده است .

در زمان زندیه مخصوصاً گل و بوته سازی و طرح انواع پرندگان روی قلمدانها مرسوم گردید . انواع گلها مخصوصاً گل سرخ و لاله و شقایق و سوسن و اقسام بوته‌ها مانند بوته فندق و غیره و پرندگان از بلبل و دارکوب و طوطی و طاوس روی قلمدان نقش میکرده‌اند . روی بعضی از قلمدانها خاصه قلمدانهای عهد قاجاریه بمنظری شبیه مناظر غربی با رعایت پرسپکتیو و سایه و روشن و خانمهای فرنگی با دامنه‌های گشاد بر میخوریم . از نقاشیهای معروفی که روی قلمدان کار کرده‌اند بایستی در اینجا نام آقا صادق اصفهانی - لطفعلی خان شیرازی - عباس شیرازی - آقانجف - آقا محمد ابراهیم نقاشباشی ظل السلطان - سمیرمی نقاش معاصر ناصرالدین شاه را ذکر کنیم . روی جلد کتب معمولاً گل و بوته طرح میکرده‌اند .

**آس سازی** - تهیه بوم در آس سازی ساده تر از بومهایی است که ذکر آنها گذشت . برای تهیه آس از هشت لا کاغذی که تهیه آنرا در فوق شرح دادیم یا از قریب بیست لا کاغذ سفید مقوای بزرگی تهیه میکنند . روی این مقوا مخلوطی از سریشم و شیره میمالند و میگذارند در آفتاب بخشکد . آس پنج رنگ داشته است و پشت تمام ورقها سیاه یکدست بوده و تهیه آن بنحوی بوده که در بوم سیاه

سرباز

آس

شاه

بی‌بی

لکات

